

سرشناسه : زیراف، مناسادات، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور : سرای جاودانه/ نگارش مناسادات زیراف.
مشخصات نشر : تهران: نشر تک، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : [۱۰۷]ص: ۱۵×۱۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۳۷-۲۷-۳
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه : ص. [۱۰۵-۱۰۷]
موضوع : زندگی پس از مرگ (اسلام)
موضوع : معاد
موضوع :برزخ
موضوع : رستاخیز
موضوع : مرگ — جنبه‌های مذهبی — اسلام
رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ س۴/۲۲/۲۲ BP۲۲۲
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۴
شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۵۸۴۷۳

نشر تک
TAKPublication

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۳۷-۲۷-۳

عنوان : سرای جاودانه

نویسنده : مناسادات زیراف

ناشر : تک

تلفن : ۰۲۱-۸۸۳۱۸۸۳۶

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۲

شمارگان : ۱۵۰۰ نسخه

قیمت : ۵۰۰۰ تومان



www.kateebe.com

کلیه حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

۵	پیش گفتار
۱۳	سرای میانه - برزخ
۲۱	جایگاه اول - تاریکی قبر
۲۹	جایگاه دوم - وحشت قبر
۳۵	جایگاه سوم - عذاب قبر
۴۱	جایگاه چهارم - فشار قبر
۴۵	جایگاه پنجم - سوال و جواب
۵۳	جایگاه ششم - بهشت و جهنم برزخی
۵۷	سرای جاودانه - بهشت و دوزخ پاینده
۶۱	جایگاه اول - شیپور رستاخیز
۶۷	جایگاه دوم - ترازوی راستی
۲	جایگاه سوم - دادگاه الهی
۱۱	جایگاه چهارم - صراط
۸۷	سرانجام بد
۹۳	سرانجام نیک
۱۰۵	منابع

پیش گفتار

«پسرم، بدان تو بی آخرت آفریده شدی، نه دنیا.

برای رفتن از دنیا، نه پندار، مانند آن.

برای مرگ، نه زندگی جاوداد در دانا.

که هر لحظه ممکن است از دنیا بر کنی، و به آخرت در آیی.

و تو شکار مرگی هستی که فرار کننده از آن جاتی ندارد.

و هر که را بجوید به آن می‌رسد، و سرانجام او را می‌گیرد.

پس، از مرگ بترس!

نکند زمانی سراغ تو را گیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه گریخته باشی،

و مرگ مهلت ندهد، و بین تو و توبه فاصله اندازد،

که در این حال خود را تباه کرده‌ای.

یسرم، فراوان به یاد مرگ باش،

و به یاد آن چه که به سوی آن می‌روی، و پس از مرگ، در آن قرار
می‌گیری.

تا هنگام ملاقات با مرگ از هر نظر آماده باشی.

نیروی خود را افزون، و کمر همت را بسته نگهدار، که ناگهان نیاید و تو
را مغلوب سازد.

ببادا دانستگی فراوان دنیا پرستان، و تهاجم حریصانه‌ی آنان به دنیا، تو
را مغرور سازد.

چرا که خداوند تو را از حالات دنیا آگاه کرده، و دنیا نیز از وضع خود تو
را خبر داده، و از زشتی‌های روزگار پرده برداشته است.»^۱

«به خدا قسم جدی است، شوخی، حق است نه دروغ، و آن نیست
مگر مرگ!!

که داعی آن فریادش را به گوش رسانده، راندنش با سرعت همه را
می‌راند.

پس انبوه مردمان تو را نفریبد، درحالی که مردم پیش از خود را
دیده‌ای،

از کسانی که ثروت جمع کردند، و از کم شدنش ترسیدند،
و به خاطر آن، وی طولانی و دور شمردن مرگ خود را از عواقب
خطرناک در آه می‌دیدند،

چگونه مرگ به آن‌ها وارد شد، و آن‌ها را از وطن بیرون کرد،
و از جایگاه امنشان برکنار نمود، بر تخته‌های تابوت حملشان کرد،
و مردم آنان را دست به دست می‌کردند، درحالی که بر دوش خود
گرفته و با انگشتان نگاهشان می‌داشتند.

ایا ندیده‌اید آنان را که دچار آرزوهای طولانی بودند، و کاخ‌های محکم
می‌ساختند، و ثروت فراوان جمع می‌کردند،

چگونه خانه‌هایشان تبدیل به گورها شد،

و اندوخته‌هایشان نابود گشت،

و ثروتشان به وارثان رسید،

و زنانشان به ازدواج مردان دیگر درآمدند،
 نه بر حسنات خود توانند افزود،
 و نه قدرت عذرخواهی از بدی‌هایشان را دارند؟!۱

آن‌که تقوا را با عمق دل دریافت، در کار خیر سبقت گرفت، و عملش به
 نثر حقی کامل رسید.

پس بهره‌های تمام را غنیمت دانید،
 و کاری که شما را شایسته بود به بهشت می‌کند، انجام دهید،
 زیرا دنیا برای امت مسلم شما آفریده نشده،
 بلکه گذرگاهی ساخته شده تا از آن برای خانه‌ی ابدی، زاد و توشه‌ای
 فراهم آورید.
 پس برای کوچ از دنیا عجله کنید، و مسبب‌ها را برای جدایی از آن
 آماده سازید.^۲

در پی نشر کتاب **حیات جاودانه** و مواجه شدن با لطف دوستان و خوانندگان آن،
برخی مشتاق بودند بیشتر از حقیقت مرگ و حیات پس از آن بدانند.

لذا بر آن شدیم که مجموعه‌ای دیگر در این باره، گردآوری کنیم و اشاره‌ای کوتاه به
حیات پس از مرگ، سرای جاودان نماییم.

هر یک از ما معتقدیم هر لحظه ممکن است مرگمان فرا رسد و آنچه را که
همیشه برای همسایه می‌پنداریم، روزی تریب گیرمان شود.

خوب است بدانیم آن کسی که فرصتش به حال رسد، در چه شرایطی است و
چه بر سرش آمده است و حال که خدا به ما فرصت داده، قدری به خود آییم و
اندوخته‌ای فراهم کنیم، باشد که اندکی از سختی آن راه به سوی نوار آید.

این نوشتار بر مبنای بخشی از فرمایشات امام سجاد علیه السلام تنظیم شده است.

ایشان علیه السلام در بخشی از دعای معروف به ابو حمزه ثمالی، اشاره به مرگ و وقایع بعد از آن نموده و فرمود:

«...و ما لی لا ابکی؟ ابکی لخروج نفسی.

ابکی لظلمه قبری. ابکی لضیق لحدی.

نکیر لسؤال منکر و نکیر ایای.

ابکی بخروجی من قبری عربانا ذلیلا حاملا ثقلی علی ظهری...»^۳

«...و چرا گریه نکنم؟ گریه می‌کنم برای جان دادنم.

گریه می‌کنم برای تار کی قبرم. گریه می‌کنم برای تنگی لحدم.

گریه می‌کنم برای سؤال منکر و نکیر از من.

گریه می‌کنم برای بیرون آمدنم از قبر، برهه و بار که بار سنگینم را به پشتم بار کرده...»

۳ - سید ابن طاووس، الاقبال الاعمال، ص ۷۲، از امام سجاد علیه السلام در دعای معروف به ابو حمزه ثمالی.

در این راستا، از خانواده‌ام و همه‌ی کسانی که مرا در تدوین این مطالب یاری کردند، سپاس گزارم.

هم‌چنین از بنده‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سید مجتبی بحرینی، که مجموعه کتاب ایشا پیروان برگ، کمک بسیاری به من در بخش برزخ این نوشته نمود، قدردانی می‌کنم و از خداوند برای همگی این دوستان، توفیقات روزافزون خواستارم.

امید آن که این مجموعه، تذکری برای خود و خوانندگان گرامی، ذخیره‌ای برای آخرت نویسنده و خوانندگان محترم و هم‌چنین مایه‌ی آرمش روح پدر مهربانم، حاج سید علی زری‌یاف باشد.

الحمد لله

منا سادات زری‌یاف